

سحر و جادو از دیدگاه قرآن و سنت

تألیف:

فهد بن سلیمان القاضی

با مقدمه:

محمد عاشور پلنگی

عنوان کتاب: سحر و جادو از دیدگاه قرآن و سنت
نویسنده: فهد بن سلیمان القاضی
محقق یا مصحح: محمد عاشور پلنگی
موضوع: دیگر مسائل عقیدتی
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری، ۱۴۳۷ قمری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

ایمیل: book@aqeedeh.com

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- مقدمه مترجم ۳
- مقدمه مؤلف ۹
- عوامل گرفتاری به سحر و چشم زخم ۱۰
- ۱- ضعف توحید خداوندی در قلبها ۱۰
- ۲- ترک بعضی واجبات و انجام دادن برخی محرمات ۱۱
- ۳- غفلت از ذکر الله ﷻ ۱۱
- پاداش از نوع عمل ۱۳
- حکم سحر و رفتن به نزد فالگیران ۱۶
- چگونه از شر سحر و چشم زخم در امان بمانیم ۱۹
- روش معالجه ۲۳
- معوذتان ۲۳
- خواندن سوره فاتحه ۲۴
- از دعاهای گرانقدر ۲۴

- معالجه کسی که بر اثر اصابت سحر نمی‌تواند با همسرش همبستر
 بشود..... ۲۶
- معالجه کسی که مبتلا به چشم زخم شده است..... ۲۹
- چگونه خود را تعویذ بنمائید..... ۳۱
- تعویذ ۳۳
- فوائد تعویذ خود بوسیله خویشان، از جمله..... ۳۳
- کیفیت تعویذ..... ۳۳
- تنبيهات ۳۵
- کلمات نامأنوس در کتاب، برگرفته از فرهنگ عمید ۳۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات، والصلاة والسلام على الرحمة المهداة والنعمة المسداة؛ سيدنا محمد وعلى آله وصحبه ومن دعا بدعوته واهتدى بستته وجاهد جهاده إلى يوم الدين...

انسان‌ها از بد و زندگی در این دنیا در ناملایمات قرار گرفتند و در پس مشکلات به یک راهکارهای مادی و معنوی نیاز داشتند تا سختی‌های زندگی را پشت سر گذرانند.

لذا جامعه بشری گاهی دچار گمراهی‌ها می‌شد و این بدعت‌ها و خرافات چنان آنها را تحت تأثیر قرار می‌داد که راه درست از خطا قابل تشخیص نبود و چه بسا این گمراهی‌های جامعه و تمدنی را در ورطهٔ هلاکت سوق می‌داد. امروزه بشر با پیشرفت قابل توجه خود همچنان گرفتار چنین مسائلی است؛ زیرا کمتر به مسائل معنوی که نیاز اساسی بشریت می‌باشد، پرداخته است. هر چند درمسائل مادی خطاهای زندگی و شیوه رفاهی خود را به کمترین حد رسانده ولی به دلیل توجه بیش از حد به این مسائل از جنبه دینی و معنوی آن غافل شده است.

یکی از این مسائل، که زندگی ما را بیشتر تحت تأثیر قرار داده است، سحر و جادو یا استفاده بشر از نیروهای مافوق بشر برای یافتن راه علاج برخی مشکلات روحی و روانی است. از آن جا که احتیاج به نیروهای طبیعی و ما فوق طبیعی جزء نیازهای فطری انسانها است، انسان برای پرکردن این نیاز، به وسائلی پناه برده است که یکی از آن وسایل سحر و جادو می‌باشد.

«سحر^(۱)، کاری است که آدمی می‌تواند به وسیلهٔ دمیدن و تکرار بعضی کلمات یا انجام بعضی اعمال قوای فوق‌العاده عظیم جهان را به نفع خود قبضه کند»^(۲). هر چند در بعضی مجالس پیشگویی، مطالب ضد و نقیضی گفته می‌شود که بیشتر با دروغ همراه بوده کمی غیب‌گویی و آینده‌نگری آن را با واقعیت نزدیک کرده است، چنانچه در خیال انسان درست جلوه‌گر می‌شود. بهتر است این مسأله را از دیدگاه اسلامی مورد بررسی قرار دهیم، آیا از غیب صحبت کردن یا بیماری را علاج را شفا دادن و درد مزمنی را خوب کردن از طریق سحر یا احضار روح و... درست است یا نه؟.

در قرآن آیات بسیاری آمده است که طی آن روح مردگان در جایگاهی که خداوند برای آنها قرار داده به سر می‌برند، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ

فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿۶۱﴾ [غافر: ۴۶].

«اینک هر صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند و روزی که رستاخیز بر پا شود فریاد می‌رسد که فرعونیان را در سخت‌ترین انواع عذاب درآورید».

همچنین در آیات ۸۳ تا ۹۵ سوره واقعه درباره ارواح بهشتیان و ارواح جهنمیان و جایگاه آنها در عالم برزخ سخن می‌گوید که هیچ ارتباطی با جهان مادی ما ندارد گویای آن است که ارواح انسانها در کجا قرار دارد و چگونه بعد از مرگ با آنان برخورد می‌شود. پس چگونه ممکن است ارواح کافران ملحد و نافرمان، از هر قید و بندی رها و آزاد باشند بطوری که بتوانند هر جا بخواهد بروند و به در خواست هر کس جواب دهند و هیچ‌گونه مراقب و نگهبانی برای آنان نباشد.

در حدیثی از صحیحین بخاری و مسلم روایت شده است؛ ظاهراً پیامبر اکرم ﷺ در جنگ بدر، اجساد مشرکین را در چاهی انداخته است و خود بر سر چاه می‌آیند و با نام‌بردن از کشته‌های آنان با آنها صحبت می‌کند وقتی اصحاب با این صحنه روبرو می‌شوند از رسول اکرم ﷺ سؤال می‌کنند: آیا مردگان سخن می‌گویند ایشان پاسخ می‌دهند: آنها سخنان من را بهتر از شما درک می‌کنند ولی توانایی جواب دادن را ندارند^(۱)، پس اگر ارواح آنان چنانچه با پیامبر خدا ﷺ نتوانستند صحبت نمایند، چگونه می‌توانند با افراد دیگر به سخن پردازند. اگر شک کنیم که اینان (جادوگران) با فرشتگان در ارتباط هستند این ظن با آیات قرآن بر طرف می‌شود که می‌فرماید:

﴿لَا يَسْـَٔلُونَ بِالْقَوْلِ وَّهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۷].

«در هیچ سخن بر خدا پیشی نمی‌گیرند و خود به دستور او کار می‌کنند».
پس جای تردیدی نیست که نیروهای مافوقی که اینان ادعا می‌کنند

۱- (مترجم)- البته این از معجزات پیامبر اکرم ﷺ بوده است که مردگان صدای آن حضرت را شنیدند ولی در آیاتی مانند: ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مِّنَ فِي الْقُبُورِ﴾ [فاطر: ۲۲]. «و تو آن کسی را که در گورستان فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد بر عدم توانایی مردگان به شنیدن صدای زندگان تأکید شده است» - ترجمه الهی قمشه‌ای.

همان نیروهای مخفی عالم جن و شیاطین هستند و در اندیشه پاک اسلامی چنین چیزی جایگاهی ندارد^(۱) چون وجود شیاطین همانند فرشتگان یک امر مسلم است که قرآن می‌فرماید:

«ما مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَلَهُ شَيْطَانٌ»^(۲) «هیچ کس نیست مگر اینکه همراه او شیطانی هست». پس چه بسا آنان که ادعای می‌کنند تا دردهای مزمن را برطرف می‌کنند کسانی نیستند جز آنهایی که با کمک گرفتن از اجنه و شیاطین اطلاعات شخصی افراد را می‌گیرند و به آنها بازگو می‌نمایند و این، خود، خلاف سنت پاک نبوی است چرا که پیامبر اکرم ﷺ چنین اموری را ناپسند می‌دست و به اصحاب خود توصیه می‌کرد که در هنگام دچار شدن به درد و مصیبتی به نزد طبیب مراجعه کنند و به خدا توکل نمایند. بنابر احادیثی از داروهای طبیعی هم نام می‌برند، ایشان می‌فرمایند:

«الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: شَرْبَةَ عَسَلٍ، وَشَرْطَةَ مُحْجَمٍ، وَكَيْةَ نَارٍ، وَأَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكِي»^(۳). «شفای بیماران منحصر در سه چیز است: شربت عسل و نیشتر حجام و داغ کردن. و اتمم را از داغ کردن منع می‌کنم».

به این ترتیب پیامبر اکرم ﷺ روش‌های درمان و شفابخشی مریضان طبق عرف زمانه خود نام برده‌اند ولی امروزه با پیشرفت علم بشری و استفاده از اسباب خداوندی که در طبیعت به طور آشکار مشاهده می‌شود، این امر بهتر تحقق می‌یابد. چرا که مسلمانان باید بدانند، تنها با جبران خلأهای عقیدتی و تلاش در کشف پدیده‌ها برای شناخت بهتر خداوند،

۱- منظور نفی وجود جن و شیاطین نیست بلکه عدم استفاده و پناه بردن به این شیوه است.

۲- صحیح مسلم.

۳- صحیح بخاری.

می‌توانند خود را به کاروان تمدن بشری برسانند و چه بسا از آن پیشی بگیرند و از پدیده‌های پوچ و بیهوده که فقط برای عقب‌ماندگی جامعه بشری ساخته شده است، دور باشند و بیش از هر زمان دیگری از معنویات دینی و عقاید پاک شریعت و ایمان قوی خود بهره برند و شب و روز در تلاش باشند تا با واقعیات آفرینش انس بگیرند.

چرا که این احضار روحها و سحر و جادوهایی که در جامعه بشری وجود دارد چیزی نیست جز ساخته‌ی افراد ملحد و مادیگری که کمبود معنوی خود را بدین طریق پرمی‌کنند، در حالی که خود به چنین امری اعتقاد ندارند و بدین طریق به عناد و سرپیچی خود می‌افزایند و افراد بسیاری را گمراه می‌سازند پس وظیفه ماست که با برگزیدن افکار پاک اسلامی و ایمان راسخ و با زیرکی تمام از تاریکی که در جامعه بشریت بخصوص در بین مسلمین حکم فرماست به مبارزه برخیزیم زیرا تنها کسی که از غیب خبر دارد و از آینده خبر می‌دهد خداوند متعال است حتی خداوند عَلَّمَ به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾ [النمل: ۶۵]. «ای رسول خدا بگو که در همه آسمانها و زمین جز خداوند کسی از علم و غیب آگاه نیست».

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾ [الأنعام: ۵۹]. «کلیدهای غیب تنها نزد او است جز او کسی آن را نمی‌داند».

مسئله دیگری که در جامعه ما نمایان است فال حافظ می‌باشد چرا که این مسأله یک پدیده روانشناختی است چه بسا به خاطر تجربه‌هایی که افراد در زندگی دارند و حوادث زیادی از جمله (سفر- پولدا رشدن - ازدواج، آشنایی، مرگ و...) در زندگی انسان‌ها اتفاق می‌افتد با اشعاری که در ابیات حافظ در این مسائل صحبت کرده است تلفیق می‌نمایند و بدین‌وسیله با

احساسات و عواطف مردم بازی می‌کنند. ولی این کار برای یک انسان عالم و آگاه عمل ناپسندی است، بجای اینکه مردم را به راه راست هدایت کنند و آنها را در برابر سختی‌ها و مصائب که همواره در زندگی انسان رخ می‌دهد یاری دهند بدین وسیله آنان را در برابر این همه مسائل گمراه می‌کنند.

بر هر مسلمانی واجب است تا از این مسائل دوری کند چرا که قضا و قدر و سرنوشت انسان بنابه راه‌هایی که خداوند در اختیار انسان قرار داده در دست خود او است نه دیگران. مسائلی چون صداقت، اعتقاد پاک، اخلاق خوب، دوری از پلیدی‌ها و کمک و مساعدت‌ها است که انسان را در صراط مستقیم خوشبختی و سعادت قرار می‌دهد.

پس تنها با یک وسیله می‌توان پیشرفت مادی و معنوی مسلمانان را هموار کرد و راه پیشرفت مادی و معنوی انسان را بر افق بیکران هستی باز کنیم. آن اینکه دوباره به انوار عالی قرآن و سنت که از مشرق زمین طلوع کرده است و همچنان روشنایی خود را بر همگان عرضه می‌دارد، رو بیاوریم و از آن استفاده نماییم؛ تا زمانی که ایدئولوژی و عقیده یک ملت درست نشود و نحوه تفکر آن نسبت به جهان تغییر نکند و در راستای کمال قرار نگیرد آن ملت سیادت و بزرگی پیدا نمی‌کند و موجب پیشرفت مادی و معنوی اجتماعش نمی‌گردد.

در پایان از استاد بزرگوار جناب مولوی عبدالرحمن سربازی و سایر دوستانی که در ترجمه این اثر بنده را یاری نمودند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

عاشور محمد پلنگی

۸۰/۱۱/۱۱

مقدمه مؤلف

الحمد لله نعمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. وبعد Ñ

حکمت خداوندی چنان اقتضا کرد تا انسان را در درد و رنج و سختی بیافریند، و دنیا را خانه‌ی سختی برای [آزمایش انسان] قرار دهد تا بدین وسیله گناهان مؤمنان را بپوشاند و مقامشان را بالا ببرد و عذابی برای کافران و مایه بیداری برای تمام انسان‌ها باشد، تا به دنیا اعتماد ننمایند و بدان دل نبندند، بلکه نسبت به آن سرای دیگر آگاهی یابند و تشویق بشوند که اهل آن زنده‌اند و هیچگاه نمی‌میرند و سالم و تندرستند و هرگز مریض نمی‌شوند، جوان هستند و هرگز پیر نمی‌گردند، سعاتمند هستند و هرگز دچار مشکلات نمی‌شوند.

از جمله آزمون‌ها ابتلائی که بعضی مردم به آن دچار می‌شوند، سحر و چشم‌زخم هستند و هر دو از طریق شرع و تجربه ثابت و اخیراً این دو بیماری شایع شده است و کسانی که از آنها شکایت می‌کنند، زیاد شده‌اند. اگر فرد مسلمان در کتاب خداوند ﷻ [قرآن] [و سنت رسول اکرم ﷺ] تفکر و تدبر کند، سبب ناخوشی و راه علاج آن را خواهد یافت.

عوامل گرفتاری به سحر و چشم زخم

خداوند ﷻ [در قرآن کریم] می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [یونس: ۴۴].

«خداوند ﷻ به مردم ستمی نمی‌کند بلکه این مردم هستند که (با اختیار کفر و ترک ایمان) به خویشتن ستم می‌نمایند». و همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰]. «آنچه از مصائب و بلا به شما می‌رسد به خاطر کارهایی است که خود کرده‌اید. تازه خداوند از بسیاری (از کارهای شما) گذشت می‌کند که شما از آنها توبه نموده‌اید و یا با کارهای نیک آنها را از نامه اعمال زدوده‌اید». بنابر این گناهان ما عامل مبتلا شدن ما هستند که از جمله آن [عوامل] عبارتند از:

۱- ضعف توحید خداوندی در قلب‌ها

شرک در اشکال معینی محدود نمی‌شود، بعضی مردم وجودشان را از بعضی اعمال شرک‌آمیز پاک و سالم می‌دانند، گمان می‌کنند که توحیدشان کامل است و خود را از شرک اکبر و اصغر پاک می‌دانند. شرک اکبر یعنی: صرف هر نوع عبادت غیر خدا است، همین‌طور توکل کردن بر غیر خدا، اعتماد کردن بر غیر خدا چنان اعتمادی که بر خدا ﷻ اعتماد می‌شود و اعتقاد به اینکه این نفع و ضرر از جانب غیر خداست نیز شرک است و

همچنین اگر کسی چیزی را دوست داشته چنان که می‌بایستی خدا ﷻ را دوست داشته باشد، چنین شخصی مرتکب شرک شده است، خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿وَمِنَ اللَّائِيں مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۶۵].

«برخی از مردم هستند که از میان غیرخدا، خداگونه‌هایی بر می‌گزینند و آنان را همچون خدا ﷻ دوست می‌دارند و کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را سخت دوست می‌دارند (وبالاتر از هر چیز بدو عشق می‌ورزند)».

۲- ترک بعضی واجبات و انجام دادن برخی محرمات

کسی که نماز را سبک می‌شمارد (در حالی که بزرگترین رکن اسلام بعد از کلمه شهادتین است) و اقامه نماز صرف انجام دادن آن به نحوه خاص نیست، بلکه اقامه نماز عبارتست از ادای آن به کاملترین وجه، که آن هم با انجام شرایط، ارکان و واجبات نماز [محقق می‌شود]. و همین‌طور هر کس که در هر کدام از واجبات بجمله التلویح بر او واجب گردانیده کوتاهی کند، یا کاری را بجمله التلویح او را از انجام آن باز داشته، مرتکب شود، چنین شخصی در واقع سبب و عامل مبتلا شدن به مصائب و عقوبت‌ها را برای خویش فراهم نموده است. و همین‌طور هر کس، فریضه الهی که بر او فرض شده است سبک بشمارد و یا مرتکب گناهی شود که خداوند او را از ارتکاب آن نهی کرده است، بدین ترتیب [بخاطر دوری از خدا] دچار بلاها و عذاب‌ها [که مسبب آن خودش است] می‌شود.

۳- غفلت از ذکر الله ﷻ

بجمله التلویح در [قرآن کریم] می‌فرماید: ﴿وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ

نُقِیْضٌ لَهُ شَیْطَانًا فَهُوَ لَهُ وَ قَرِیْنٌ ﴿۳۶﴾ [الزخرف: ۳۶].

«هرکس از یاد خدا غافل و روگردان شود، اهریمنی را مأمور او می‌سازیم و چنین اهریمنی همواره همدم وی می‌گردد و گمراه سرگشته‌اش می‌سازد».

(یعنی) غافل می‌شود، اعراض می‌کند، روی می‌گرداند، روی بر می‌تابد.

بخاطر اینکه بسیاری از مردم از ذکر سبحان الله و بحمده روی برگردانده‌اند و کتابش [قرآن] را رها کرده‌اند، خانه‌هایشان را پر از ابزار و آلات لهو و [لعب] و غفلت پر کرده‌اند و وقت‌های خویش را با بازی و بیهودگی می‌گذرانند، لذا شیطان بر آنها سلطه پیدا کرده و آنها را به انجام گناهان برانگیخته است، و رابطه میان زوج‌هایی [همسران و شوهران] که باهم محبت داشته‌اند و صمیمیت میان دوستان را از بین برده است، همین که خانه و قلب‌هایشان از ذکر سبحان الله و بحمده خالی شده است، شیاطین آنها را گرفتار کرده و بر آنان چیره شده است. پس قلب‌ها را با وسوسه‌ها، اوهام و دودلی‌ها لبریز و خانه‌ها را با مشکلات و دشمنی‌ها پرکرده است. هنگامی که شخصی به خانه‌اش وارد می‌شود سینه‌اش منقبض می‌گردد [یعنی با آغوش باز خانواده‌اش را ملاقات نمی‌کند] و دلش می‌گیرد و لبخند روی لبش از بین می‌رود و بجای اینکه با همسر و فرزندانش با سلام و خشرویی و مهربانی برخورد کند با چهره‌ای عبوس و ترش گرفته و زبانی بد وارد خانه می‌شود، و همسرش نیز همین رفتار یا شبیه آن را با او انجام می‌دهد پس دشمنی‌ها زیاد و مشکلات برانگیخته می‌شود، دوستی و مهربانی بین طرفین قطع می‌گردد و کارهای ناپسند، فحش و خشم و دشمنی جای دوستی‌ها را می‌گیرد. امام مسلم رحمته در کتاب صحیح خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ عَجَلَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ

قَالَ الشَّيْطَانُ: أَدْرَكْتُمْ الْمَيِّتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهُ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ: أَدْرَكْتُمْ الْمَيِّتَ وَالْعَشَاءَ»^(۱). ترجمه: «وقتی که شخص وارد خانه اش می‌شود و هنگام ورود و غذا خوردن خداوند سبحانه و تعالی را بیاد آورد، شیطان (به همراهانش) می‌گوید: برایتان نه جایی برای گذراندن شب و نه شامی است، و هنگامی که [آن شخص] داخل می‌شود به وقت دخول ذکر خداوند را بجای نمی‌آورد شیطان می‌گوید: جایی برای شب گذراندن را یافته‌اید و اگر هنگام غذا خوردن خدا را یاد نکند، می‌گوید: جای شب گذراندن و شام را یافته‌اید».

پاداش از نوع عمل

این یک قاعده همیشگی و مکرر دربارهٔ ثواب و عقاب است [پاداش از نوع عمل]. پس کسی که بر والدینش نیکی کند، فرزندانش در آینده بر او نیکی می‌کنند و کسی از فرمان پدر و مادر سرپیچی کند اولادش در آینده از او سرپیچی خواهند کرد و کسی خود را از ناموس مردم پاک نگه ندارد [یعنی به ناموس دیگران تعرض نکند] مردم ناموس او را نیکو می‌دارند و بر عکس، پس همچنان که قرض می‌دهی به همان اندازه قرض می‌گیری، و در حدیث آمده است «أَحْفِظَ اللَّهُ يَحْفَظْكَ»^(۲) [حدود و شرائع] «خداوند را حفظ کن تا خداوند سبحانه و تعالی تو را [از بلاها، گناهان و عذابها] حفظ کند». در اینجا - در باره شکایت از سحر و چشم زخم - اینک جاری بودن این قاعده را می‌بینیم:

همین که توکل مردم بر خداوند سبحانه و تعالی کم شد و به برخی از اسباب مادی [غیر از بسم الله الرحمن الرحيم] اعتماد کردند و بر بعضی از آنها توکل نمودند، به همین اسباب واگذار شدند [منظور اینست، همین که آنان به سوی اسباب

۱- مسلم (۱۰۳)، کتاب الاشربة، جابر بن عبدای.

۲- صحیح ترمذی (۳۰۹/۲).

[غیر الله] متوجه شدند و بدانها دل بستند پس بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نیز آنان را به حال خود رها نموده حوالهٔ اسباب می‌کند] وقتی که کسی به غیر الله توکل کند، پس ناکام و خوار می‌شود. ولی به کار گرفتن اسباب - مانند رفتن نزد پزشک هنگام بیماری - هیچ منافاتی با توکل به خداوند عَلَيْهِ تَوَكَّلْ ندارد، [یعنی چنین صورت استفاده از اسباب طبیعی در دنیا هیچ اشکالی بر اصل توکل وارد نمی‌کند] ولی درست نیست که بر شفابخشی پزشک به طور مطلق اطمینان و اعتماد قلبی پیدا نمایی بلکه به خداوند یگانه اعتماد و اطمینان قلبی داشته باشی و قلبت را به سوی خداوند پاک و منزّه مرتبط گردانی.

✽ صورت دیگری که در آن انطباق (پادش از نوع عمل) را می‌بینی اینست که: بسیاری از مردم چیزهای را می‌خواهند که نفسشان طلب می‌کند، هر چند از طرف خداوند عَلَيْهِ تَوَكَّلْ حرام شده باشند [یعنی خداوند بخاطر ضررشان آنها را برای انسان حرام کرده است]، مانند دیدن چیزهایی که دیدن آن [برای انسان] جایز نیست، یا شنیدن صداهایی که گوش کردن آن حرام می‌باشد و همچنین سفر کردن به کشورهایی که در آن منکرات رائج می‌باشد و [در کشورهایی که] معاصی و گناهان بصورت علنی و آشکارا انجام می‌گیرد. [در واقع] همهٔ این موارد و چیزهای شبیه آن عمل به خواهش‌های نفسانی‌شان است، پس در این صورت بر خلاف خواسته‌هایشان مجازات شدند و به پریشان حالی، ناراحتی، بیماری نفس، اندوهگینی و نا آرامی مبتلا شدند، کیفری است مناسب با اعمال و خواسته‌های آنان در دنیا [که از فرمان خدا سرپیچی کردند و بدین ترتیب دل‌های ستمدیدگان را سوزاندند، خانه‌هایشان را به آتش کشیدند و با ظلم و زر و زور خود بر کسی رحم ننمودند، هم اینک سزاوار است که در دوزخ کیفرشان چنان و سرنوشت‌شان چنین بد باشد]. در حالیکه پروردگار تو هرگز به [بندگان] ظلم و ستم روا نمی‌دارد.

✽ همچنانکه بعضی مردم در امر فراخواندن [به حضور طلبیدن] خادمان و پیشخدمت‌های زن توسع بخرج می‌دهند و قوانین دینی را رعایت نمی‌کنند و دربارهٔ امور ممنوعهٔ شرعی تساهل بخرج می‌دهند. از جمله اینکه خادم زن بدون محرم به سفر می‌رود. و نیز اینکه گاهی اوقات میان مرد و خادمه خلوت صورت می‌گیرد یا میان زن با پیشخدمت یا راننده و سایر موارد مثل این از جمله چیزهایی که در زندگی مان از خلوت مرد با زن حاصل می‌شود و یا زنی با راننده‌ای خلوت می‌کند، و سایر موارد مثل این... پس بدین شکل برخی از آن خادمان زن و رانندگان با این عمل اسباب مبتلا شدن به سحر و جادوها و بلاها را فراهم می‌آورند.

حکم سحر و رفتن به نزد فالگیران

علمای اسلام اتفاق نظر دارند بر اینکه: ابر مریض جایز نیست که پیش فالگیران (کاهنان) که ادعای دانستن غیب را می‌کنند و (مردم را بدین صورت به سوی خود فرا می‌خواند) برود تا بوسیله آنها بیماری خود را تشخیص بدهد. همچنانکه برای شخص جایز نیست، آنچه را که کاهنان او را خبر می‌دهند تصدیق نماید. زیرا آنها از روی شک و تردید از غیب سخن می‌گویند. یا آنها جن را احضار می‌کنند و بوسیله آنها بر آن چه که می‌خواهند استعانت می‌جویند و کار اینها کفر و ضلالت است چون که اینها ادعای امور غیبی را می‌کنند. امام مسلم رحمته الله در کتاب صحیحش روایت کرده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ أْتَى عَرَّافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ فَصَدَّقَهُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا»^(۱). «هر کس پیش عرّافی (عراف کسی است که جای گم شده و مال دزدی شده را نشان می‌دهد) رفته و از او در مورد چیزی بپرسد و آن را راستگو شمارد، تا چهل روز نمازی از او پذیرفته نخواهد شد». حضرت ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که: «مَنْ أْتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بَمَا يَقُولُ فَقَدْ

۱- آنکه به نزد عرّافی بیاید (عراف کسی است که جای گم شده و مال دزدیده شده را نشان می‌دهد) و در باره چیزی از وی پرسش نموده و آن را راستگو شمارد، چهل روز نمازش قبول نشود).

كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ ﷺ»^(۱) «هر کس پیش فال‌گیری (کسی است که ادعای علم غیب می‌کند و بوسیله ستارگان مردم را از غیب خبر می‌دهد) برود و بر گفته‌هایش صحه بگذارد، او از آنچه که بر محمد ﷺ نازل شده سرباز زده است». ابوداؤد این حدیث را روایت کرده و اصحاب سنن اربعه آنرا تخریج کرده‌اند. از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لیس منا من تطیر أو تطیر له، أو تکهن أو تکهن له، أو سحر له، و من أتى کاهنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَكَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ» «از ما نیست کسی که فال بگیرد، یا برایش فال گرفته شود یا مرتکب کهنات شود یا برای او کهنات انجام داده شود یا ساحری بکند یا برایش ساحری کرده شود و هر کس پیش کاهنی رفته و بر گفته‌هایش صحه بگذارد به آنچه که بر محمد ﷺ نازل شده کفر نموده است». [باز با سند قوی آنرا روایت کرده است]. در این احادیث دلیل کافر بودن کاهن و ساحر وجود دارد زیرا که آنها ادعای دانستن علم غیب می‌کنند. در حالی که این [اعتقاد و عمل] کفر محسوب می‌شود چرا که ساحر و کاهن جز با به خدمت گرفتن جن و عبادت کردن آن به هدفشان دست نمی‌یابند در حالی که آن کفر و شرک به خداوند پاک و منزّه است و همچنین تصدیق‌کننده آن نیز دچار کفر و شرک می‌شود و کسی که بدان معتقد باشد مانند آنان می‌باشد. و هر کس که بر این کارها مشغول شود و از آنها سحر و جادو بگیرد به تحقیق [خدا] و رسولش صلی الله علیه و آله از او بیزار می‌شوند.

سحر (جادو) از محرّمات کفرآمیز است. همچنان که سبحان الله و الحمد لله در مورد دو فرشته می‌فرماید: ﴿وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِبِضَّارِينَ

بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿البقرة: ۱۰۲﴾. ترجمه: «دو فرشته‌ای که طریق سحر کردن را برای آشنایی به طرز ابطال به مردم یاد می‌دادند و به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند مگر اینکه پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو (و آنچه به تو می‌آموزیم به آشوب و کفر منتهی می‌گردد. آن را بشناس و خویشتن را از آن بدور دار. لیکن مردم نصیحت نپذیرفتند و از آموخته هایشان سوء استفاده کردند) که با آن میان مرد وهمسرش جدایی می‌افکندند (آری این شیطان صفتان گناه پیشه کفر ورزیدند، چون این گونه یاوه گویی‌ها و افسانه سرایی‌ها گذشتگان را به هم بافتند و آن را وسیله آموزش جادو به یهودیان کردند) و حال آنکه با چنین جادوی (خویش) نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد و آنان قسمت‌هایی را فرا می‌گرفتند که بر ایشان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و به ایشان سودی نمی‌رساند. و مسلماً می‌دانستند هر کس خریدار اینگونه متاع باشد». بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته (و آن را پیشه خود ساخته‌اند) اگر می‌دانستند (و علم و دانشی می‌داشتند) پس این آیه کریمه بر کفر بودن سحر دلالت می‌کند. و از عنه و عنه مسئله می‌داریم که ما را از شر ساحران و جادوگران (کاهنان) و شعبده‌بازان محفوظ بدارد و همچنان که از عنه مسئله داریم که مسلمانان را از شرشان نجات بدهد و به مسلمانان توفیق بر حذر ماندن از آنان و اجرای حکم عنه درباره آنان عنایت بفرماید تا اینکه بندگان از ضرر و اعمال بدشان راحت بشوند. همانا خداوند بسیار بخشنده و کریم است. این قسمت خلاصه بیانات شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته بود که پایان یافت.

چگونه از شر سحر و چشم زخم در امان بمانیم

براستی که الله سبحانه برای بندگانش چیزهایی را مشروع فرمود که بوسیله آن از شر سحر و چشم زخم، قبل از وقوعشان خود را برهانند و او سبحانه و تعالی راه علاج آنها را نیز بیان فرموده و این کار را بخاطر رحمتش بر بندگان و احسان برکات و بنابه اتمام نعمت خود بر آنان فرموده است.

از جمله وسایل محفوظ و در امان ماندن [از سحر و جادو] توکل بر خداوند عز وجل، توکل به عز وجل بزرگترین وسیله دفع آفات و سودمندترین چیزی است که به وسیله آن خواسته‌ها برآورده می‌شود، پس هر کس به عز وجل توکل کند، عز وجل در همه امورش برای او کافی است. خداوند عز وجل [در قرآن کریم] می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [الطلاق: ۳]. «هر کس بر عز وجل توکل کند (و کار و بار خود را بدو واگذارد) خدا او را بسنده است.»

اطاعت اوامر الهی و اجتناب از نواهی او: هر کس اوامر و نواهی عز وجل را بجا آورد (در حفظ آنها کوشش نماید) عز وجل دین، دنیا، خانواده و مالش را حفظ خواهد کرد.

کثرت یاد خداوند عز وجل: ذکر عز وجل از طریق تلاوت قرآن کریم، تسبیحات [سبحان الله گفتن]، سپاس و ستایشات [الحمدلله گفتن]، به نیکی یاد کردن، توبه به سوی خداوند و تهلیل و تکبیر و استغفار و

درودفرستادن بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. اینها از سودمندترین وسایلی است که بنده نفسش را بوسیله آن حفظ می‌کند. امام أحمد و ترمذی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده‌اند که [آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید]: لَا يَأْتِيَنَّ أَحَدًا مِنْكُمْ رَجِيمٌ به یحیی بن زکریا امر فرمود که به پنج کلمه عمل کند و بنی اسرائیل را نیز به انجام دادن آن دستور دهد، این دستورات عبارتند از اینکه: آنها را به ذکر لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ امر کن، مثال آن مانند مردی است که تحت تعقیب دشمن است، در این حین به قلعه محکمی می‌رسد و به آن پناه می‌برد، پس بدین وسیله خود را با پناه بردن به دژ حفظ می‌کند. همین‌طور است؛ بنده نفس خود را از دست شیطان حفظ نمی‌کند مگر با یاد لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

از جمله این اذکار:

الف - قرائت آیت الکرسی؛ هنگام رفتن به رختخواب، چرا که آیت الکرسی همواره یک نگهبان از جانب بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بر تو است و با خواندن [آیت الکرسی قبل از خواب] شیطان تا صبح [نزدیک تو] نمی‌گردد، چنانکه برای خواندن آن بعد از هر نماز فرض تأکید و تشویق شده است.

ب - خواندن سوره بقره، در خانه‌ای که سوره بقره خوانده می‌شود شیطان از آن خانه فرار می‌کند.

ج - خواندن دو آیه آخر سوره بقره؛ پس کسی که در شب آن دو آیه را بخواند، آن دو آیه او را کفایت می‌کنند، چرا که لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بر معنای آن واقف است و [بندگان] را از هر بدی باز می‌دارد. (والله اعلم).

د - اذکار مرتبه اوقات صبح، شام، هنگام پیاده شدن، وارد و خارج شدن از منزل، سوار مرکب شدن و اذکاری که در سایر مناسبات وارد شده‌اند.

ه - تعویذ کودکان همان‌گونه که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضرت حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را تعویذ می‌کرد: «أَعِيذُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ

كُلِّ عَيْنٍ لَّا مَهِّ»^(۱). «من شما دو نفر را با کلمات تآمّه خداوند عز وجل از شر هر شیطان و سوسه گر و از شر هر چشم بد تعویذ می‌کنم».

و - به بسیار خواندن «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» در شب و روز و هنگام پیاده شدن یا وارد شدن در ساختمان، صحرا، فضا و یا در دریا.

از دیگر اسباب جلوگیری [از سحر و چشم‌زخم]:
عبارتند از:

✽ جلوگیری از خروج کودکان از منزل هنگام غروب، رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِذَا كَانَ جُنْحُ اللَّيْلِ - أَوْ أَمْسَيْتُمْ - فَكُفُّوا صَبِيَّانَكُمْ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْتَشِرُ حِينَئِذٍ، فَإِذَا ذَهَبَ سَاعَةٌ مِنَ اللَّيْلِ فَخَلُّوهُمْ»^(۲). «هنگامی که آغاز شب باشد - یا فرمود هنگامی که وارد شامگاهان شدید - بچه های خردسال تان را مواظبت کنید زیرا در این هنگام شیطان ها منتشر می‌شوند و چون پاسی از شب گذشت آنها را آزاد بگذارید (به هر جا که بخواهند بروند)»
جُنْحُ اللَّيْلِ یعنی: آغاز شب بعد از غروب خورشید و چیرگی سیاهی.

✽ زدودن خانه از آلات سنگی، مجسمه‌ها، عکس‌ها و سگ‌ها که موجودات ذی روح هستند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثابت است که فرشتگان به خانه‌ای که این چیزها [یعنی سگ، عکس‌های ذی روح و مجسمه‌ها] هستند، وارد نمی‌شوند و همچنین پاکسازی خانه از وجود آلات لهو و لعب و نغمه و سایر آلات [نیز جزو اسباب جلوگیری از سحر و چشم زخم می‌باشد].

۱- ابن‌ماجه/ ۳۵۲، ۲۰۵.

۲- رواه البخاری و مسلم، کتاب الاشریه، باب ۱۲، حدیث ۹۷.

✽ خوردن هفت دانه خرمای عجوه در صبح (نوعی خرما، که در مدینه موجود است). بخاری و مسلم از آن حضرت رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت کرده‌اند که: «مَنْ تَصَبَّحَ بِسَبْعِ تَمَرَاتٍ عَجْوَةٍ لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَمٌ وَلَا سِحْرٌ»^(۱). «هر کس صبحگاهان هفت دانه خرمای عجوه بخورد، سم و سحر در آن روز ضرری به او نخواهند رسانید». حضرت شیخ عبدالعزیز رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می‌فرماید: امید است [کلمه خرما] که آن شامل همه نوع خرماها شود، چرا که معنی در تمام انواع خرماها موجود است. پس این معنی [خرما] به صورت عام موجود است.

۱- رواه البخاری و مسلم، کتاب الاشریه، باب ۲۷، حدیث ۱۵۵.

روش معالجه

حضرت ابن قیم رحمته الله فرموده است: «از سودمندترین (وسایل) علاج‌های سحر داروهای معنوی است، آری ادویه‌های معنوی به ذاته داروهای سودمند هستند. پس اگر قلب انسان مالمال از [خوف و عظمت] خداوند و لبریز از ذکر او تعالی باشد و انسان دعا و ذکر و تعویذاتی را ورد کند که این دعاها [اذکار] و تعویذات بر او اثر می‌گذارد و هیچ خللی در او بوجود نمی‌آید و بر قلب و زبانش مطابق می‌شود، و این از بزرگترین اسباب‌هایی است که از اصابت سحر و نظر بد بر انسان جلوگیری می‌کند و این کار از بزرگترین معالجات سحر بعد از مبتلا شدن به آن می‌باشد.

❁ معوذتان^(۱)

امام بخاری و مسلم رحمته الله از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که از دردی می‌نالید، دو سورهٔ فلق و ناس را خوانده، بر خود دم می‌کردند. حضرت ابن قیم رحمته الله می‌فرماید: «منظور از این کلام درباره این سوره، بیان منفعت‌های عظیم این دو سوره و شدت احتیاج و بلکه ضرورت به آنها [در این مواقع] است، و اینکه هیچ کس از آن

۱- (مترجم)- دو سوره‌ای که با [قُلْ أُغُوذُ] شروع می‌شود، یعنی؛ سوره‌های فلق و ناس.

بی‌نیاز نیست و اینکه این دو سوره تاثیر بسزایی در دفع سحر و چشم زخم و دیگر شرارت‌ها دارد.

چه بسا احتیاج انسان به استعاده با این دو سوره بیشتر و مهم‌تر از احتیاج انسان به نفس، غذا، نوشیدنی و لباس می‌باشد.

✽ خواندن سوره فاتحه

روزی عده‌ای از صحابه کرام رضی الله عنهم در حال مسافرت بودند که از قبیله‌ای عبور کردند، رئیس آن قبیله را [عقرب یا مار گزنده‌ای] گزیده بود، یکی از صحابه کرام وی را با سوره فاتحه تعویذ کرد که آن شخص [رئیس قبیله] بلند شد طوری که گویا اصلاً چیزی به او اصابت نکرده بود. پس وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از جریان با خبر کردند، آن حضرت صلی الله علیه و آله تبسم نمود و کارش را با سکوتش تأیید فرمود.

حضرت ابن‌قیم رحمته الله فرمودند: [در مکه مکرمه زمانی بر من گذشت که در آن وقت مریض شدم، طبیب و دوا در آنجا نبود، پس به وسیله سوره فاتحه خودم را معالجه می‌کردم و مقداری از آب زمزم را می‌گرفتم و در آن [سوره] فاتحه را می‌خواندم و در آب دم می‌کردم] پی در پی خواندم و آب را نوشیدم، و بدین وسیله سلامتی کامل‌ام را یافتم، سپس با اطمینان کامل از آن به بعد در بیشتر دردها از این روش استفاده می‌بردم و بدین صورت از آن بیشترین فایده را بردم^(۱).

✽ از دعاهای گرانقدر

«اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهِبِ الْبَاسَ، اشْفِهِ وَأَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءَ لَا يُعَادِرُ سَقَمًا». «بار خدایا! ای خدای انسان‌ها سختی و دشواری (مرض) را از من دور

بگردان، مرا شفا بده همانا تو شفادهنده هستی و هیچ موجودی غیر از تو شفا نمی‌کند مگر تو شفا می‌کنی و چنان شفا دادنی که پس از آن هیچ‌گونه بیماری باقی نماند».

دستت را بر روی جایی که درد در همان قسمت بدنت است قرار بده و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ (سه بار) وهفت مرتبه می‌گویی: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأَحَازِرُ». «من به عزت و قدرت خدا پناه می‌برم از بدی چیزی که می‌یابم، از درد در حال حاضر و می‌ترسم از زیادت و سرایت آن در مال».

«بِسْمِ اللّٰهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ؛ اللّٰهُ يَشْفِيكَ بِسْمِ اللّٰهِ أَرْقِيكَ»^(۱). «به نام خداوند رحیم، تو را از هر چیزی که اذیت و ضرر به تو می‌رساند و از شر هر نفس بد یا چشم حسود رقیه می‌کنم خداوند تو را شفا بدهد و به نام خداوند رحیم، تو را تعویذ می‌نمایم».

از جمله علاج سودمند برای سحر (غیر از بلاها): توبه کردن به سوی خداوند رحیم و زیادی استغفار است چرا که همین گناهان اسباب گرفتاری و مصیبت‌ها و بلاها هستند و توبه هم در واقع دواي آنها (مصیبت‌ها و بلاها) است. نبی خدا حضرت صالح عليه السلام خطاب به قومش چنین فرمود: ﴿لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [النمل: ۴۶]. «اگر چه شما بسوی خداوند رحیم استغفار کنید، شاید که (خداوند) بر شما رحم بیاورد و گناهان شما را ببخشد». پس نفست را محاسبه کن و در کارهایت جستجو نمای همانا آنچه که از طرف نفست [خطائی] را مرتکب شدی خواهی یافت زیرا که خداوند عز وجل بر بندگان ظلم نمی‌کند (و این انسان‌ها هستند که با انجام گناهان خود از خداوند رحیم روی برمی‌گردانند و بر خود ظلم می‌کنند».

معالجه کسی که بر اثر اصابت سحر نمی‌تواند با همسرش

همبستر بشود

علاوه بر اسبابی که قبلاً برای علاج سحر گفتیم، حضرت شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته می‌فرماید: [برای معالجه سحر بعد از اینکه دچار آن شدید - مخصوصاً برای مردانی این معالجه سودمند است که به سحر دچار شدند و در اثر سحر نمی‌توانند با همسرشان همبستر شوند - هفت برگ سدر سبز (نوعی گیاه) را بگیرد سپس آنرا با سنگ و یا هر وسیله‌ای له بکند و آن برگ‌های کوبیده شده را در ظرفی بریزد و روی آن مقداری آب که برای غسل لازم است بریزد. و آیت الکرسی و ﴿قُلْ يَتَّيِّهَا الْكٰفِرُونَ﴾، ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ﴾، ﴿قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾، ﴿قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ و آیات سحری که در سوره أعراف وجود دارند، بخواند که آن آیات فرموده خداوند سبحان اند که می‌فرماید: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَعُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صٰغِرِينَ ﴿١١٩﴾﴾ [الأعراف: ۱۱۷-۱۱۹]. «وبه موسی وحی کردیم که عصای خود را بیندازد. ناگهان (بصورت اژدهائی در آمد) و بسرعت آنچه را به هم می‌بافتند (و تزویرهایی را که می‌نمودند) همه را بلعید. پس حق (یعنی صدق موسی) ثابت و ظاهر گردید و آنچه آنان می‌کردند باطل شد و پوچ از آب در آمد. در آنجا(که

فرعون و فرعونیان گرد آمده بودند.) شکست خوردند و خوار و رسواتر گشتند».

و نیز این آیات سوره یونس را بخواند که خدای سبحان می فرماید:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُنْتَوِي بِكُلِّ سَجْرِ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرُ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرَ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾﴾

[یونس: ۷۹-۸۱].

«فرعون گفت: همه جادوگران ماهر و زبر دست را به پیش من بیاورید (تا کار این جادوگر را بسازیم). هنگامی که جادوگران گرد آمدند، موسی به ایشان گفت: (هر چه از فنون سحر می دانید بکار بندید و) آنچه می توانید بیندازید و بیفکنید تا ببینیم. هنگامی که (ریسمان و عصاهای خود را) انداختند. موسی گفت: آنچه ارائه دادید واقعا جادوست، قطعاً خداوند آن را پوچ و نابود خواهد کرد و (جای شگفت نیست، چرا که) خداوند کار تبهکاران را ابقا و دوام نمی بخشد و شایسته و سودمند نمی گرداند. خداوند با سخنان خود (بر انبیاء نازل می کند) حق را پایدار و ماندگار می گرداند هر چند که گناهکاران و بزهکاران نپسندند».

و آیاتی که در سوره طه است:

﴿قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَٰئِكَ مِنَ الْقَائِلِينَ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ ﴿٦٨﴾ وَالْقِيَامَ فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدَ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾﴾ [طه: ۶۵-۶۹].

«جادوگران بار به غیب انداخته) گفتند: ای موسی آیا تو اول (هنرمائی خود را می کنی و عصای خود را) می اندازی، یا اول (دست بکار شویم و

اسباب و ادوات جادوی خویش را) بیندازیم (و کار تو را یکسره سازیم). (موسی) گفت: شما اول (شروع کنید و آنچه دارید جلو) بیندازید، (آنان طناب‌ها و عصاهای خود را انداختند، موسی) چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان، بناگاه طناب‌ها و عصاهای آنان مار شدند و می‌خزیدند و تند راه می‌روند. گفتیم: مترس! حتما تو برتری (و بر آنان چیره می‌شوی و کارهای باطل شان را شکست خواهی داد. و چیزی را که در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته‌های (مزورانه و شعبدبازی‌های مکارانه) ایشان را سرعت ببلعد. چرا که کارهایی را که کردند نیرنگ جادوگری است و جادوگر هر کجا برود پیروز نمی‌شود».

و بعد از خواندن آنچه بیان شد [ذکر، دعاها و آیات] در آب مقداری از آن را بنوشد و با بقیه آن غسل نماید و بدین وسیله *إن شاء الله تعالی* دردت بر طرف خواهد شد و اگر برای استفاده از این روش به دو مرتبه یا بیشتر نیاز داشت پس مشکلی نیست این کار را انجام دهد تا اینکه درد از بین برود^(۱).

۱- مترجم ملاحظه بفرمایید، روش بزرگان در برخورد با این مسائل همواره به صورت علمی و آگاهی از علت دردها است نه به شیوه‌های خرافی و گمراه کننده.

معالجه کسی که مبتلا به چشم زخم شده است

- ۱- تعویذ با قرآن و ادعیه مبارکه همانطوری که قبلاً ذکر شد.
- ۲- شخصی که گمان می‌رود او چشم زخم کرده است، از او خواسته شود تا غسل کند بدلیل فرموده پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که می‌فرماید: «الْعَيْنُ حَقٌّ وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ سَابَقَ الْقَدَرَ سَبَقَتْهُ الْعَيْنُ وَإِذَا اسْتَعْسِلْتُمْ فَأَغْسِلُوا»^(۱). «نظر حق است و اگر چیزی می‌توانست بر تقدیر پیشی بجوید همانا نظر بر آنان پیشی می‌جست و هر گاه به غسل دادن خواسته شدید (جهت رفع نظر) غسل کنید».

در حدیث شیوه غسل آمده است: به شخص چشم زخم کننده دستور داده می‌شود تا وضو بگیرد پس او صورت و دو دستش را تا آرنج‌ها و زانو و درون آزارش را بشوید سپس [آن آب که او غسل کرده است را] بر روی شخصی که چشم خورده است بریزند؛ معنای لفظ *يَكْفَأُ الْإِنَاءَ* من خلفه [که در روایت است] اینست که: از پشت سر چشم خورده، یعنی یک دفعه و غافل‌گیرانه آب‌ها را روی او بریزند و لفظ «*داخلة* آزاره» [که در حدیث آمده] را برخی از اهل علم به قسمت داخلی شلوار که با بدن در ارتباط است

۱- رواه مسلم - مترجم - در *النهاية ابن اثير*، ج ۳، ص ۳۶۸ در مورد ترتیب غسل به طور کامل توضیح داده شده است.

تفسیر کرده‌اند. جناب شیخ محمد العثیمین می‌فرماید: «و شاید یکی از مصادیق آن (داخلهٔ ازار) قسمت داخلی چفیهٔ سر مردان و کلاه و پیراهن شخص [چشم زنده] باشد»^(۱).

چگونه خود را تعویذ بنمائید

زمانی که مسلمان دچار بیماری شود برایش جایز است که در جستجوی یک شخصی بگردد که دارای صلاح، تقوا، حلالی و پاکی رزق بوده و امید اجابت دعایش برود و از این شخص بخواهد تا او را تعویذ کند لیکن بهتر اینست که این کار را نکند چراکه ترک آن از کمال توکل است همچنان که ترک آن از صفات کسانی است که بدون حساب و عذاب وارد جنت می‌شوند. اگر امروزه کسی به احوال مردم نظری بیفکند مشاهده می‌کند که بسیاری از آنها به طرف هر شخصی که ادعای تعویذ کننده‌ای و طالع‌بینی را بکند، می‌شتابد. به طرف کسانی می‌شتابند که اهل صلاح نیستند بلکه چه بسا شعبده باز و کاهن می‌باشند، و این بدان جهت است که جهل عام شده و بسیاری از مردم مسأله دینشان را، مسأله ساده پنداشته‌اند، بنابر این بسیاری از مردم در کار دینشان دقت و عمق نظری نکردند، لذا این امریک زمینه وسیع و یک میدان بازی یا برای بعضی افراد فاسد فراهم آورده تا اینکه ادعای رقیه یا تعویذ شرعی بنمایند در حالی که آنان هرگز شایستگی این کار را ندارد لذا ای مسلمان بر ارتقاء نفست بوسیله خویشان تمسک بجوی و بدان که **عَلَى الْحَجْمِ** می‌فرماید: **﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾** [غافر: ۶۰]. **«عَلَى الْحَجْمِ** فرمود، مرا با خلوص دل بخوانید تا دعای شما اجابت کنم». اینکه عذر می‌آورید که گناهکار و مقصر هستید و می‌ترسید که

مبادا دعایتان اجابت نشود این یک امر پسندیده است. لیکن این حسن کامل نمی‌شود مگر اینکه با ترس و امید همراه باشد تا اینکه همه احوالات و اعمال تو مطابق شرع صحیح باشد^(۱). پس همان‌گونه که تو از گناهانت می‌ترسی، امیدوار رحمت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ باش و هنگامی که بنده نسبت به پروردگارش حسن ظن داشته باشد و اعمال نیکو انجام بدهد و [با انجام اعمال نیک] در اصلاح احوال خویش بکوشد و از گناهان توبه نماید، رحمت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بر نیکوکاران نزدیک ا و در حدیث قدسی آمده است: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي»^(۲) «من نزد گمان بنده ام نسبت به خودم هستم»، یعنی: همان‌گونه که بنده ام نسبت به من گمان داشته باشد من همان‌گونه با او رفتار خواهم کرد بنابر این نسبت به پروردگارت حسن ظن داشته باش و از بدگمانی به الله سبحانه و تعالی بپرهیز.

۱- «أدعوه خوفاً و طمعاً» [أعراف/۵۶]. خدا را هم از راه ترس و هم از روی امید بخوانید.

۲- رواه البخاری و مسلم.

تعویذ

فوائد تعویذ خود بوسیله خویشتن، از جمله

❁ کمال پیروی از سنت پیامبر اکرم ﷺ: اگر شخصی از اشخاص خانه آن حضرت ﷺ پیش وی از دردی شکایت می‌کرد. پیامبر اکرم ﷺ او را با معوذات دم می‌کرد.

❁ کمال توکل به عز وجل ﷻ: اصرار بر دعا برای استجابت [این شیوه تعویذ که خودت را تعویذ نمایی] به اجابت دعا نزدیکتر است، برای اینکه دعای کسی مورد استجابت قرار بگیرد باید با گریه و صبر برای استجابت آن کوشش نماید، اگر کسی تلاش نکند و برای اجابت آن بی‌صبر و خشمگین شود، دعایش مستجاب نمی‌شود، چرا که انسان محتاج است و به آن نیاز دارد. در اجابت آن [با گریه وزاری] اصرار بورزد و برآشفته نشود.

❁ خود را از نیرنگهای بعضی از دجال صفتان حفظ بکنند.

محافظت زنان از نظر دیگران_ هنگامی که اهل خانه‌ات را تعویذ یا اینکه آنها خود را تعویذ کردند_ آنها از تعرض مردان اجنبی مصون می‌مانند.

کیفیت تعویذ

سوره فاتحه را بخوانید، سپس بر جایی که در آن درد دارد تف بکنید (یا بر مریضی که می‌خواهی آن را تعویذ کنی) و همچنین سوره (فلق) سوره (ناس) و سوره‌ها و آیات تعویذ و دعاهاى شرعى را بخوانید.

تفاوت بین کهانت، ساحری و شعبده بازی با تعویذ شرعی: صفاتی که باعث تشخیص کاهن (جادوگر)، ساحر، شعبده باز با قرائت کننده (تعویذ) شرعی می‌شود، عبارتند از:

- ۱- گرفتن نشانه‌هایی از مریض، مانند کلاه گیس.
- ۲- اینکه درخواست ذبح حیوان بخصوصی با صفات مشخصی را بکند، و دستور مخلوط کردن قسمت‌هایی بدن با خون حیوان ذبح شده بکند.
- ۳- نوشتن کلمات طلسم یا حروف قطعه قطعه در سحر.
- ۴- با کلام غیر مفهوم و ناتمام حرف می‌زند.
- ۵- چیزی به مریض می‌دهد که در زمین دفنش بکند یا در منزل مخفی نماید.
- ۶- به وسیله معلومات مخصوص از زندگی مریض خبر می‌دهد.
- ۷- نمایان بودن نشانه‌های فسق در او: مثل تراشیدن ریش، خیلی دراز بودن لباس، دراز کردن سبیل‌ها و تنبلی در شرکت کردن در نماز جماعت. در این مورد نشانه‌های زیادی غیر از این وجود دارد.

تنبيهات

هدف از بجای آوردن اذکار: عبادت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و اشتیاق در آنچه از ثواب و اجر عظیم نزد عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْ است از ثواب و أجر عظیم _ اما آنچه که از منافع دنیوی حاصل می‌شود. مانند حفاظت خودت و حفظ اهل خانه و مال از آفات، اینها مسأله اصلی نیستند و چرا که نباید مقصود از این دعاها تنها کسب دنیوی باشد [و چنین هدفی درست نمی‌باشد بلکه اخلاص، عبادت و بندگی خداوند است که به قرب الهی برسی].

اگر هدف رضایت خدا باشد، اهداف فرعی نیز حاصل می‌شود (مانند جان، مال و اهل خانه). ولی تنها حفظ منافع دنیوی باشد به هدف اصلیت که رضایت خدا است، نخواهی رسید و باعث نابودی منافعت می‌شود].

اگر از وجود ساحر، جادوگر یا غیب گو با خبر شدی لازم است، کسانی که مسئول هستند خبر دار کنی (مانند مراکز نجوم)^(۱) بنا به فرموده پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که می‌فرماید: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَ ذَلِكَ أَوْعَى الْأِيْمَانِ»^(۲). «هر یکی از شما کار بدی را مشاهده بکند، بایستی آن را با دستش تغییر دهد، اگر قدرت آن را

۱- (مترجم) البته نویسنده موقعیت منطقه خود را بیان کرده است که احیاناً چنین مراکزی برای جلوگیری از فعالیت این گروه سود جو وجود دارد. شاید منظور از.

ندارد باید با زبانش (آنها تغییر دهد) اگر قدرت آن را (هم) ندارد پس در دلش (آن را زشت بیندارد) و این ضعیف ترین (شعبه) ایمان است».

برجهای فلکی (ستارگان) که در بعضی کتابها و مجلات نوشته شده است، از رصدهای حرام است^(۱). زیرا آن ادعا بر علم غیب است که هیچ کس جز محمد بن عبد الله نمی داند. و از امام احمد، ابو داوود و ابن ماجه روایت شده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «مَنْ اقْتَبَسَ عِلْمًا مِنَ النُّجُومِ اقْتَبَسَ شُعْبَةً مِنَ السَّحْرِ، زَادَ مَا زَادَ»^(۲). «کسی که از ستاره ها علمی را دریافت نماید همانا شاخه ای از سحر را دریافت کرده است و هر اندازه که از علم ستاره شناسی بیاموزد از سحر انباشته است».

اگر کسی بر چیزی خیره شد و از خودش ترسید که مبدا به دیگری با نظرش ضرری برساند پس بر او لازم است که مبارک باد بگوید. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به مردی که به دیگری نظر بد کرده بود فرمود: چرا مبارک باد نگفتی؟ و در حدیثی دیگر آمده است: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مِنْ أَخِيهِ مَا يُعْجِبُهُ فِي نَفْسِهِ أَوْ مَالِهِ، فَلْيَبْرِكْ عَلَيْهِ؛ فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ». «اگر یکی از شما را جان و مال برادر مسلمانش تعجب و پسندش واقع شود باید برای او دعای برکت نماید. زیرا

۱- (مترجم) البته استفاده از ستارگان و بروج فلکی برای تشخیص مسیر و پیشبینی آب و هوای مناطق که با علم قطعی ثابت می شود، هیچ منافاتی با غیب ندارد زیرا یک امر مسلم عینی است نه یک مسئله غیبی که این امکان پذیر است. این گفته ها ستارشناسی های قدیم باشد که بر اساس شک و پیشگویی های غیر عینی صورت می گرفت یا اختر شناسی هایی که امروزه به صورت فرضیه و گمان ارائه می شود و هنوز به مرحله ثبوت و قطعیت نرسیدند.

۲- رواه امام احمد و الحاکم و سایرین، ابوداود (۳۹۰۵) احمد بن حنبل (۱/۲۲۷-۳۱۱).

چشم حق است». [امام احمد و حاکم و غیره روایت کردند]، و در روایتی: «فلیدع له بالبرکة». «پس می‌بایستی برای او دعای برکت نماید».

ابن قیّم رحمته می‌فرماید: [بایستی بگوید که: اللهم بارک علیه] و ابن عبدالبرّ می‌فرماید: صورت تبرک اینست که بگوید: «تبارک الله أحسن الخالقین اللهم بارک فیه» «خداوندا تو بهترین آفریدگار هستی او را از نظر بد پاک گردان»^(۱) وهذا الله أعلم وصلى الله وسلم وبارک على نبيا محمد وعلى آله وصحبه.

کلمات نامأنوس در کتاب، برگرفته از فرهنگ عمید

استعاده: مص. [ع] «استعاده» (ا.ت.ذ) استعادت: پناه گفتن، پناه خواستن، پناه جستن، پناه بردن، کلمه «أغوذ بالله من الشيطان الرجيم» گفتن..

استعانت: مص [ع] «استعانه» (ا.ت.ن) یاری خواستن، یاری جستن، کمک خواستن، یاری گفتن..

اوهام: [ع] (آ) خیالات و پندارها، جمع وهم..

برج‌های فلکی: برج_ا. [ع] (ب) هر یک از دوازده بخش فلک: حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت، بروج جمع. فلک: سپهر، گردون، مدا هر یک از سیارات..

تعویذ: مص. [ع] [ت.و] پناه دادن، در پناه آوردن، حفظ کردن کسی و نیز بمعنی دعاهائی که بر کاغذ می‌نویسند و بگردن یا بازو می‌بندند برای رفع چشم زخم و دفع بلا و آفت، تعاویذ جمع..

تهلیل: مص. [ع] [ت.ل] «مأخوذ از هیلله» تسبیح کردن، «لا اله إلا الله» گفتن..

توسّع: مص. [ع] (ت.و.س) فرخ شدن، گشاده شدن، فراخ نشستن، فراخی، آسان گرفتن..

حجّام: ص. [ع] (ح.ج) حجامت کننده، خونگیر، کسی که کارش حجامت کردن و خون گفتن است..

رصد: ا. [ع] (ز. ص) طریق، راه، مراقب، نگهبان، گروه، در اصطلاح منجمان: جایی که ستاره شناسان برای خود درست می‌کنند و از آنجا با آلات و ادوات مخصوص ستاگان را زیر نظر قرار می‌دهند، در فارسی رصدگاه و رصدخانه نیز می‌گویند.

رُقیه: افسون، طلسم، جادو، سحر.

طالع بینی: طالع_ا. فا. [ع] (ل) طلوع کننده، بر آینده/ ماه نو، هلال، حالت نموداری ستارگان/ بخت، اقبال، سرنوشت و طالع بینی علمی است که توسط رصد کردن ستارگان از آینده و بخت و اقبال انسان خبر می‌دهند.

عبوس: ص. [ع] (ع. ب) بسیار ترشرو، بد اخم، اخمو.

عقاب: مص [ع] (ع) سزای گناه و کار بد کسی را دادن، شکنجه کردن، عذاب، شکنجه.

غل و غش: غل_ا. [ع] (ع. ل) حقد، کینه، /غش: ا. مص. [ع] (غ، ش) خیانت، حقد، سیاهی قلب، تیرگی درهر چیز.

قاعده: ا. فا. [ع] «قاعده» (ع. د) مؤنث قاعد/ بنیان، اساس، پایه، اصل، قانون.

کاهن: ص. [ع] (ه) غیب گو، مرد روحانی در نزد مصریان قدیم و یهود و نصاری، کهنه جمع.